

جمعیت پایدار



لزوم گفتمان‌سازی و پیوست رسانه‌ای برای سیاست‌های جمعیتی

مهدی نیک‌ضمیر

یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها قاب‌بندی ذهن مخاطبان با استفاده از تکنیک‌های برجسته‌سازی است. برجسته‌سازی اغلب به مدد عنصر تکرار و برخورد اتفاق می‌افتد اما اگر این تکرار و برجسته‌سازی بدون گفتمان رسانه‌ای متناسب و درست صورت گیرد، ممکن است نه فقط اثرگذاری لازم را نداشته باشد بلکه خودش چالش‌زا شود. در بحث جمعیت و لزوم افزایش جمعیت نیز اگر چه با تلاشی رسانه‌ای برای قاب‌بندی و برجسته‌سازی موضوع مواجهیم اما به نظر می‌رسد هنوز این مسئله به صورت یک گفتمان مؤثر رسانه‌ای سازماندهی نشده تا بتوانیم بهتر و سریع‌تر نتیجه‌های آن را دنبال کنیم، به خصوص اینکه برای اصلاح روندهای جمعیتی در کشور فرصت چندانی باقی نمانده است و به تعبیر کارشناسان جمعیتی همین امروز هم برای اصلاح ساختارهای جمعیتی و نجات جمعیت از سیاهچاله‌های سقوط دیر است!

هر چند سیاست‌گذاری‌ها و قوانینی همچون قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده در صورت تأمین اعتبار و اجرای درست می‌توانند در مسئله جمعیت اثرگذار باشند و با در اختیار قرار دادن تسهیلاتی برای فرزندآوری خانواده‌ها را به داشتن فرزندان بیشتر ترغیب کنند، با وجود این، مسئله جمعیت و اقیاع خانواده‌ها برای فرزندآوری بیشتر و حتی پیش از تسهیلات و مشوق‌های اقتصادی نیازمند اصلاحات فرهنگی و تغییر گفتمان غالب در جامعه در خصوص فرزندآوری است و این گفتمان‌سازی از سوی رسانه‌ها باید اتفاق بیفتد.

به بیان دیگر در کنار راهبردهای کلان در حوزه‌های مختلف، سیاست افزایش جمعیت در قالب فرهنگ‌سازی و تغییر گفتمان جامعه از کاهش جمعیت به افزایش جمعیت توسط رسانه‌ها قابل تحقق است.

برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی همچنان منجر به تعدید مولید در کشور می‌شود و در کنار این برخی اقدامات فرهنگی و اجتماعی هم موجب تغییر اساسی بینش، نگرش و رفتار خانواده‌ها در زمینه فرزندآوری شده است. در این میان رسانه‌ها هم توانسته‌اند انطور که باید و شاید نقش خود را در راستای گفتمان‌سازی برای مادر بودن را هویت افزایش جمعیت ایفا کنند و حتی شاهد آن هستیم که بازمانده‌ی کلیشه‌رسانه‌ای زن و مادر در تولیدات رسانه‌ای منجر به تداوم گفتمان قبلی جامعه و تعدید جمعیت شده است.

در جامعه امروزی و از رهگذر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، هویت مادری به جایه‌جایی ارزش‌ها، خلق هویت‌ها و نقش‌های جدید شرایطی را رقم زده است که گاهی زنان مادر بودن را هویت مطلوب خود نمی‌دانند و به سمت همان هویت‌های جدیدی گرایش پیدا می‌کنند که در عمل حاصل برساخته‌های رسانه‌ای است.

رسانه‌های نوین شبکه‌های جدیدی از زندگی ایجاد کرده و کلیشه‌های متفاوت از زیبایی و الگوهای آن را ارائه داده‌اند که گاهی سبب شده‌اند بیم از بین رفتن ارقن زیبایی به میل به باردارشدن زنان اثر بگذارد. اینجاست که بیش از پیش خلایک گفتمان رسانه‌ای برای فرهنگ‌سازی و اصلاح برساخته‌های رسانه‌ای از زن و نقش آفرینی‌های او در جامعه و خانواده به صورتی انکارناپذیر تبدیل می‌شود، بنابراین در راستای فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری لازم است الگویی از سبک زندگی و فعالیت‌های مناسب زنان تدوین و تبیین و ترویج شود. در این زمینه نیازمند آموزش هستیم و ساختارها هم باید اشتغال زنان را متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری طراحی و اجرایی کنند. در چنین شرایطی است که گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری در رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی می‌تواند کمک‌کننده گفتمان‌سازی باشد و جامعه را به این هدف نزدیک کند.

در این مسیر نباید فراموش کنیم که گفتمان‌سازی امری یک‌باره و دفعی نیست و فرآیندی است که با برنامه‌ریزی و در طول زمان حاصل خواهد شد. همچنانکه گفتمان «فرزند کمتر، زندگی بهتر» نه یک‌شبه ایجاد شده و نه از بین رفت.

بازنگری در وضعیت موجود درباره افزایش جمعیت تک‌عاملی نیست. برای حصول نتیجه هم باید توجه داشت در کنار تمام سیاست‌های تدوین‌شده و اقدامات پیش‌رو، اقیاع افکار عمومی و جریان‌سازی برای تحقق این مهم دارای اهمیت است، لذا داشتن پیوست رسانه‌ای جامع برای سیاست‌های افزایش جمعیت، ضرورتی غیرقابل‌انکار است.



گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده کتاب «زنان در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران»

نقش آفرینی مؤثر زن ایرانی در تاریخ معاصر با حجاب کامل

زهرا چیذری

یک دوگانه و تضاد! حتی اگر به سر‌یال‌های نمایش خانگی استناد کنید، زنان مبارز ایران قدیم شکل و شمایل‌شان در دست شبیه همان زنان مدرنی است که از دوران کشف حجاب روضاخان یا به عرصه گذاشتند و درست شبیه زنان فرنگی لباس می‌پوشیدند

و در جامعه ظاهر می‌شدند. امروز هم جریانات مختلف سیاسی - اجتماعی می‌کشند به جامعه الفا کنند حضور و نقش آفرینی سیاسی - اجتماعی زنان در کشور بعد از ورود ایران به مدرنیته و تبدیل چادر و چاقچور به کت و دامن و پیراهن‌های فرنگی رخ داده اما نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران نشان‌دهنده حضور و نقش آفرینی زنان ایرانی با

همان چادر و چاقچور و روپنده است! زانی که شاید نخستین و جدی‌ترین قیام‌های تاریخ معاصر کشورمان به همت آنان آغاز شده باشد. مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در تاریخ معاصر را در گفت‌وگو با رضا رمضان نرسی، پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده کتاب «زنان در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران» مورد واکاوی قرار داده‌ایم.

در بحث‌هایی همچون سواد چطور، مدارس و نظام آموزشی در کشور ما اگر چه کمی‌پردازی از مدارس غربی بود اما همین ساختار موجب شد دختران بیشتری باسواد شوند. در حالی که در دوران قبل از مدرنیته مانند دوران قاجار ما کمتر شاهد حضور زنان باسواد هستیم. اینطور نیست؟

قبل از اینکه نظام آموزشی جدید بیاید ما مکتبخانه‌های دخترانه را داشتیم و جالب است که برخلاف امروز کار آموزش را با قرآن آغاز می‌کردند. بر اساس اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، سازمان اسناد ملی نوشته شده است، در هر شهری مخصوصاً در تهران مکتبخانه‌های زنانه وجود داشت و معلم و مدیر این مکتبخانه پیر زنی بود که به او میرزا باجی خانم می‌گفتند. دختران هر روز صبح کتاب قرآن را با دستمال و بسته ناهار خود برمی‌داشتند و چادر و چاقچور کرده و همراه پدر یا برادر خود به مکتبخانه می‌آمدند، البته این نکته را نباید ناگفته گذاشت که آموزش در دوران حکومت قاجار خصوصی و آموزش

آقای رمضان نرسی با عنایت به سوابق کاری شما در حوزه پژوهش درباره زنان و تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، آغاز تحولات و حضور اجتماعی زنان از چه زمانی بوده است؟

یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر دغدغه ذهنی من بود این بود که در رسانه‌ها، مطبوعات و حتی ادبیات تخصصی ما همه چیزهای خوب و رشد و پیشرفت زنان را به قرن اخیر و بعد از جریان مدرنیزاسیون کشور محدود کرده بودند. این جریان از زمان انقلاب سفید از مابقی سواد بوده باشد یا بینش سیاسی - اجتماعی یا مشارکت اقتصادی یا مالکیت نداشته باشند.

سؤال مشخص من هم این است که آیا زنان ایرانی در دوران قبل از مدرنیته افرادی بی‌سواد و منفعل بودند که بستوی خانه و مطبخ تنها مکان حضور و خودنمایی آنان بود یا شواهد و پژوهش‌های تاریخی عکس این ماجرا را نشان می‌دهد؟

یکی از چیزهایی که همواره مطرح می‌شود این است که همه زنان ایرانی در دوران قبل از مدرنیته بی‌سواد بودند و این بی‌سوادی موجب می‌شد مالک نباشند و برده جنسی یا غیرجنسی باشند. برای زنان مهم نبود چه بلای بر سرشان می‌آید اما مطالعه در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد، اینطور نیست! در تاریخ سیاسی - اجتماعی زنان ما با برخی زنان فعال سیاسی - اجتماعی قبل از دوران مدرنیته مواجهیم. به طور نمونه انیس‌الدوله همسر ناصرالدین شاه به عنوان یک فعال سیاسی - اجتماعی مطرح بوده است که تقریباً از طبقات پایین جامعه هم برخاسته اما حتی در دیپلماسی و ارتباطات با خانم‌هایی که از خارج می‌آمدند، نقش داشته است یا در حوزه اتفاقات داخلی شاهد پناه دادن مخالفان سیاسی از سوی انیس‌الدوله هستیم و وقتی شاه به او اعتراض می‌کند که چرا مخالفان سیاسی را پناه داده‌ای؟ می‌گوید: اگر من ایران را پناه ندهم، به سفارتخانه کشورهای دیگر پناهنده می‌شوند و این برای ما آبروریزی است. بگذار یک محل مفر یا سه قول امروزی سنسوپا اطمینانی وجود داشته باشد که اینها به حد انفجار نرسند یا وی از هر فرصتی برای کمک به مردم استفاده می‌کرد. به طور نمونه با مرضی شاه خراج یک شهر را بخشید و وقتی شاه معترض شد، گفت به عنوان صدقه برای سلامتی نشان این کار را کرده است. وارد این جزئیات شدم که نشان دهم قبل از عصر جدید و در دوره قاجار ما چنین مواردی داشته‌ایم، بنابراین با مطالعه‌ای در تاریخ معاصر و دوران پیش از مدرنیته شاهد فعالیت‌های زنان در عرصه‌های گوناگون هستیم و مطالعه در تاریخ معاصر کشورمان نشان می‌دهد به هیچ وجه اینگونه نیست که برخی عنوان می‌کنند غرب زنان ما را نجات داد!



دولتی بسیار محدود و مختص بخشی از اعیان و اشراف بود، چون دولت قاجار دولت محدودی بود اما مدرنیته نظام آموزشی را دولتی و گسترده‌تر کرد. با وجود این وقتی دولت روضاخان نظام آموزشی جدید را تأسیس می‌کند، در برخی مناطق همچون بوشهر مکتبخانه دختران به قدری گسترش داشت که برای مدارس جدید روضاخانی هیچ مشتری‌ای وجود نداشت و مجبور شدند با اهرم‌هایی مکتبخانه دخترانه را تعطیل کنند تا دخترانی که می‌خواهند باسواد شوند، مجبور باشند به مدارس جدید مراجعه کنند. اولین مدارس جدیدی که در ایران تأسیس شد، مدارس خارجی‌ها همچون فرانسوی‌ها، امریکایی و انگلیسی‌ها بود و اینکه گفته می‌شود علما با مدارس مخالف بودند، با این مدارس

مدرنیته زنان ایرانی را وارد عرصه فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی نکرد! زنان ایرانی سال‌ها قبل از ورود مدرنیته به کشور در برهه‌های حساس و بزنگاه‌های تاریخی با بینش روشن سیاسی نقش آفرین بوده‌اند

می‌کرد، این امر موجب ارتقای سواد حضار می‌شد. ولی به نظر نمی‌رسد آمار باسوادی زنان در کشور به خصوص در دوره قاجار بالا باشد؟ ما نمی‌خواهیم بگوییم همه زنان ما در دوره قاجار باسواد بودند اما دلیل این مسئله این بود که آموزش، خصوصی بود. وقتی آموزش خصوصی باشد و خانواده پول کافی نداشته باشد تا همه فرزندان را به مدرسه بفرستد، طبیعتاً ترجیح می‌دهد پسرش درس بخواند، چون باید در آینده مسئولیت خانواده را به عهده بگیرد، داشتند. بیشترین مشکل آموزشی ما به خاطر سیستم وقتی دخترشان را مدرسه می‌گذاشتند که پول لازم را ما سواد نیابرد و زمینه‌ساز ارتقا و افزایش مشارکت آموزشی زنان ما نبود.

آقای رمضان نرسی! ما در دوران قاجار چند حرکت جدی و متعالی زنان را در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی شاهد هستیم که با عنایت به شرایط آن دوران و فقدان رسانه‌های جمعی به شکل امروزی به لحاظ سازماندهی و برنامه‌ریزی کم‌نظیر است. حرکت‌هایی مثل قیام تنباکو. از نگاه شما به عنوان پژوهشگر تاریخ معاصر در حوزه زنان اوج مشارکت‌های سیاسی زنان در دوران قبل از مدرنیته کی و چگونه بود؟

اوج مشارکت اجتماعی زنان را در شورش زنان در تبعید میرزای آشتیانی با حکم ناصرالدین شاه شاهد هستیم. در این ماجرا زنان در تهران اجتماعی درست کردند و شعار می‌دادند. به عنوان مثال در کتاب شیخ حسن کرلایی که از منابع معتبر و دست اول استفاده می‌کند و تاریخ‌دخانی را به نگارش در آورده و خودش شاهد ماجرا بوده، آمده است: «ما تا آن روز ندیده بودیم که زنان این همه جمع شوند و شعار بدهند». زنان در این ماجرا اول آمدند بازار تهران را تسخیر کردند و بعد به مسجد شاه رفتند و آخوندی را که علیه میرزای شیرازی سخنرانی می‌کرد از منبر پایین کشیدند و بعد به طرف کاخ شاه حرکت کردند. اینجا بود که مردان هم به آنان ملحق شدند، یعنی اولین قیام همگانی و مشارکت سیاسی را در زنان می‌بینیم، آن هم در سال ۱۲۰۹ قمری. پس می‌بینیم که قبل از ورود مدرنیته، زنان با همین چادر، چاقچور و روپند قیام سراسری و شاه را مجبور می‌کنند این حکم را لغو کند و تبعات لغو این حکم را به گردن بگیرد و از بانک‌های پول قرض کند و خسارت این لغو قرارداد را بپردازد. در این جریان حضور گسترده زنان در جامعه ما به مدرنیته بر نمی‌گردد. ما در تاریخ معاصر خودمان رویدادهایی را داریم که اینها علاوه بر اینکه به لحاظ عناصر روشنفکری جلوتر از مدرنیته است، اصلاً در مدرنیته نمی‌تواند. اینکه مشارکت زنان در حمایت از مرجعیت شیعه هم در ماجرای روپتر، هم در ماجرای تنباکو و حتی در مشروطه یا مثلاً در تأسیس بانک ملی، علماً فتوا دادند که ما باید از بوع تسلط بانک

انگلیسی و روس در بیابیم و خود شیخ فضل‌الله هم مبلغی کمک کرد، ما می‌بینیم زنان طلاهایشان را برای این کار می‌آوردند و وسط می‌گذارند. اینها زانی هستند که تحصیلات جدید ندارند و در فضای سنتی رشد کرده‌اند و تحصیلاتشان تحصیلات مکتبخانه‌ای است اما دید روشن سیاسی - اجتماعی دارند.

برخی می‌گویند زنان مالک نبوده‌اند و مالکیت زنان را مدرنیته برای ما آورد. آیا این مسئله درست است؟

این یک دروغ بزرگ است! چون ما دین اسلام را داشتیم و اسلام به زن ارث می‌دهد. هنوز هم در برخی عشاریه به زنان ارث نمی‌دهند. یکی از اهرم‌های تحقیر فرهنگ ملی و قدیمی ما این بود که مواردی از خرافات را پیدا می‌کردند و به همه تسری می‌دادند، بنابراین می‌بینیم که ما در تاریخ معاصر بی‌انصافی‌های بزرگی داشتیم. سنت در ایران از سنت در سایر کشورها و فرهنگ‌ها متفاوت است. سنت در ایران با مذهب شیعه گره خورده و مذهب شیعه از تمامی لحاظ از غرب مدین‌تر است و اگر مشکلاتی داشتیم، به خاطر بی‌ایقته برخی مدیران ما بوده است.

ترویج فرهنگ ابتدال در ایران از مسیر ترویج ابتدال در بین زنان شکل گرفت و این سیاست حتی امروز هم ادامه دارد. در تاریخ معاصر از چه زمانی و چگونه مسیر ارتقای زن ایرانی را با ترویج فرهنگ ابتدال تغییر دادند؟

در هر جامعه‌ای هویت فرهنگی جامعه به فرهنگ آن است و اگر بتوانیم فرهنگ جامعه را تغییر دهیم، هویتش هم تغییر می‌کند، از سوی دیگر جامعه‌ای که هویت نداشته باشد، به سادگی تحت تسلط دیگران قرار می‌گیرد. زن‌ها در فرهنگ و هویت جامعه نقش اساسی و محوری بر عهده دارند. تربیت فرزند و نهادن و زنان ما این فرهنگ را به فرزندانشان هم انتقال می‌دهند، به همین خاطر هم دشمن متوجه شده است! اگر می‌خواهد کاری کند، باید روی خانم‌ها سرمایه‌گذاری کند و متأسفانه در سال‌های اخیر هم در این زمینه موفق بوده است. شما می‌بینید مسئله کشف حجاب را با هر قیمتی می‌خواهند انجام دهند، حتی یکی از همسران رضاشاه تا قبل از کشف حجاب رونده می‌زد. ولی با شعارهای پیشرفت و توسعه وارد شدند اما به جای آنکه پیشرفتی در کار باشد، آنها فرهنگ عمومی را نشان گرفتند. این مسائل باعث شد نسلی بعد از روضاخان و محمدضا به وجود آمد



بازخوانی و پژوهش در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد زنان ایرانی در برهه‌های گوناگون تاریخی نقشی تعیین‌کننده داشته و منفعل و بی‌تفاوت نبوده‌اند بلکه ضمن حفظ اعتقاداتشان با همان چادر و روپنده در حرکت‌های ضداستعماری حضوری مؤثر داشته‌اند